

آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی. تئو ون لیوون، ترجمه محسن نوبخت،

تهران، نشر علمی، ۱۳۹۵، ۵۲۸ صفحه + ۱۴.

نشانه‌شناسی، به‌عنوان روش پژوهش در شناخت دلالت‌ها، در میانه قرن بیستم همراه با جنبش ساخت‌گرایی، به‌ویژه در فرانسه، اهمیت چشمگیری پیدا کرد. نشانه‌شناسی اجتماعی نیز بر پایه نشانه‌شناسی اولیه مطرح‌شده از جانب سوسور پدیدار گشته و با تمرکز بر کارکرد نشانه‌ها، به بحث در مورد تولید معنا و چگونگی معنادار شدن نشانه‌ها می‌پردازد. از این منظر، تردیدی نیست که پدیده‌های اجتماعی به‌خودی‌خود و به‌تنهایی معنا پیدا نمی‌کنند، بلکه در درون شبکه‌ای از معانی جای می‌گیرند و دارای چارچوبی فرهنگی هستند. تئو ون لیوون مدیر گروه هنر و علوم در دانشگاه تکنولوژی سیدنی است. وی در دانشگاه هنر لندن و بسیاری از دانشگاه‌های دیگر نیز به تدریس اشتغال داشته است. ون لیوون یکی از صاحب‌نظران برجسته در زمینه تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی است که کتاب‌ها و مقالات باارزشی در این زمینه نوشته است (رک. مصاحبه با تئو ون لیوون، ۲۰۱۳).

کتاب حاضر، یعنی کتاب *آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی*، از متن‌های متنوعی مانند عکس، آگهی تبلیغاتی، مجله و فیلم بهره می‌گیرد تا نشان دهد که معنی چگونه از طریق تعامل پیچیده نشانه‌شناسی شکل می‌گیرد. همچنین این کتاب رشد منابع نشانه‌شناختی را از کانال‌های به‌خصوص، مانند تاریخ مطبوعات و تبلیغات، دنبال می‌کند و نشان می‌دهد که چرا و چگونه این منابع در طول زمان تغییر پیدا می‌کنند. کتاب درآمدی است بر روش‌هایی که در آن جنبه‌های مختلف جامعه مدرن با خلق معنا ترکیب و همراه می‌شود. این منابع نشانه‌ای که ما را احاطه کرده‌اند، روش‌های ارتباطی مسلمی مانند زبان اشاره، تصویر و موسیقی و موارد کمتر شناخته‌شده‌ای مانند خوراک و پوشاک و مسائل روزمره را در خود نهفته دارند که ارزش‌های فرهنگی و بااهمیتی را با خود حمل می‌کنند.

ساختار کتاب *آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی* شامل یک پیش‌گفتار و ۳ بخش کلی و ۱۲ فصل است. نویسنده کتاب علاوه بر فهرست‌بندی مطالب، برای تصاویر کتاب نیز فهرست دیگری تهیه کرده که نقش مهمی در پروراندن مفاهیم دارد، بعضی از این تصاویر اجازه چاپ نیافته اما خوشبختانه مترجم با سفیدگذاشتن تصاویر، خواننده را از وجود آنها آگاه می‌کند. در

آخر کتاب هم بعد از اتمام فصل‌ها منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر ارائه شده و همچنین یک واژه‌نامه توصیفی برای اصطلاحات کلیدی تنظیم شده است و البته کتاب دارای نمایه نیز هست.

بخش اول با عنوان اصول نشانه‌شناختی آغاز می‌شود. در این بخش به فصل‌های منابع نشانه‌شناسی، تغییر، قواعد و کارکردهای نشانه‌شناختی پرداخته می‌شود. ابتدا به این نکته اشاره شده که نشانه‌شناسی اجتماعی نظریه‌ای مستقل و خودکفا نیست، بلکه با حوزه‌های دیگر مرتبط و درگیر می‌باشد. درحقیقت، نویسنده به‌نوعی بر میان رشته‌ای بودن نشانه‌شناسی اجتماعی تأکید دارد و آن را بدیهی و مسلم می‌داند. تئو ون لیوون فصل را با نتیجه‌گیری به پایان نمی‌رساند، بلکه با طرح پرسش‌هایی خواننده را به نتیجه‌گیری مستقل دعوت می‌کند. نویسنده فصل اول را با منابع نشانه‌شناختی شروع می‌کند زیرا معتقد است که نشانه‌شناسان برای فراهم آوردن این منابع مسیرهای زیر را طی می‌کنند:

۱- به جمع‌آوری، مستندسازی و فهرست کردن نظام‌مند منابع نشانه‌شناختی، از جمله به تاریخ این منابع، می‌پردازند.

۲- به بررسی چگونگی استفاده از این منابع در بافت‌های فرهنگی، تاریخی و سازمانی می‌پردازند و نیز اینکه انسان‌ها در این بافت‌ها چگونه در مورد آنها صحبت می‌کنند، برنامه‌ریزی می‌کنند، آنها را می‌آموزند، موجه جلوه می‌دهند، نقد می‌کنند و غیره.

۳- در کشف و توسعه منابع نشانه‌شناختی جدید و نیز در استفاده جدید از منابع نشانه‌شناختی موجود شرکت می‌کنند (ص ۲۴).

در این فصل با این ایده هالیدی آشنا می‌شویم که دستور زبان، نه یک رمزگان و نه مجموعه‌ای از قواعد برای تولید جمله‌های درست است، بلکه منبعی برای تولید معناست (۱۹۷۸: ۱۹۲). درحقیقت، «منابع نشانه‌شناختی» اصطلاحی کلیدی در نشانه‌شناسی اجتماعی قلمداد می‌شود. این منابع به گفتار، نوشتار یا تصویر محدود نمی‌شود، بدین معنی آنچه ما انجام می‌دهیم و یا خلق می‌کنیم، به شیوه‌های مختلفی ارائه می‌شود که به خلق معناهای فرهنگی و اجتماعی متفاوتی می‌انجامد. نکته ای که در برگردان این فصل به چشم می‌خورد، ارائه بعضی از تصاویر با متن سفید است که با چاپ آنها موافقت نشده است، و به‌ناچار به صورت کادر خالی درآمده و تمام موارد تفسیر نشانه‌شناختی آن در متن ترجمه شده است که خود می‌تواند گویای

شکل‌گیری معنایی تازه باشد. اما این موارد، مانند تصاویر دیگر، با عنوان و شناسنامه در ذیل تصویر قید نشده است و این امر گاه خواننده را دچار سردرگمی می‌کند. از طرفی، در برخی از تصاویر مانند تصویر شماره ۱۰۷ که فضاهای آموزشی نیمه‌باز را نشان می‌دهد، نوشته‌های درون آن که می‌تواند راهنمای خواننده باشد، در مقیاس چاپ‌شده اصلاً خوانا نیست و غیرقابل‌استفاده شده است. امید این است این نوشته‌ها در چاپ‌های بعدی با قلم‌های مناسب‌تری عرضه شوند.

در **فصل دوم** به تغییر منابع نشانه‌شناسی اشاره می‌شود. در این فصل علاوه بر شناسایی منابع نشانه‌شناسی موجود، به تغییر در به‌کارگیری این منابع نیز پرداخته شده است. نویسنده تأکید سوسور را بر نشانه‌شناسی همزمانی، علت توجه‌نکردن به فرآیند تغییر و تکامل این منابع می‌داند. هرچند که سوسور همزمانی و درزمانی (تاریخی) را مکمل هم می‌دانست، اما نشانه‌شناسی همزمانی توانست گسترش بیشتری بیابد. با این همه، نشانه‌شناسی اجتماعی در ترکیب این دو وجه نشانه‌شناسی کوشید و در نتیجه سه جنبه در آن برجسته شد:

۱- دلایل اجتماعی تغییر: تغییرات جامعه، منابع نشانه‌شناختی جدید را می‌طلبد.

۲- مقاومت در برابر تغییر: غالباً این مورد با مقاومت مردم همراه است، زیرا ارزش‌های

سنتی به‌خطر می‌افتند.

۳- اصول نوآوری‌های نشانه‌شناختی: این اصول به چگونگی تغییر نشانه‌شناختی از طریق استعاره و معنای ضمنی می‌پردازد، با این گفتهٔ ارسطو: «واژه‌های عادی تنها همان دانسته‌های پیشین ما را منتقل می‌کنند، و از طریق استعاره است که می‌توانیم چیزهای جدیدی بدانیم». شرح بسیار مبسوطی در این قسمت به استعاره (و البته مجاز) اختصاص یافته است.

فصل سوم به قواعد نشانه‌شناختی می‌پردازد و توجه خواننده را به این نکته جلب می‌کند که مردم برای شناخت هر پدیده‌ای باید قواعد آن را بشناسند. به بیانی دیگر، قواعد بر انسان حاکم می‌شوند نه انسان بر قواعد. اما نشانه‌شناسی اجتماعی بر این ادعاست که قواعد، به هر صورت نوشتاری یا غیرنوشتاری، ساختهٔ انسان است و بنابراین قابل تغییر. البته باید توجه داشت که رویکرد قاعده‌بنیاد، در این کتاب کاملاً رد نمی‌شود و این رویکرد به عنوان روشی مناسب برای کارکرد نشانه‌شناسی در بافت‌های خاص محسوب می‌شود. به عبارتی می‌تواند در تمام موقعیت‌ها ثابت باشد، یعنی رابطهٔ دال و مدلول طبق قاعده‌ای مشخص برقرار باشد.

نشانه‌شناسی اجتماعی، بنا بر ادعای نویسنده، با فهرستی از منابع نشانه‌شناختی گذشته، حال و آینده سروکار دارد.

در صفحه ۱۰۹ کتاب اما، بهتر بود به این نکته توجه می‌شد و ترتیب سه مفهوم نشانه‌شناختی پیرس^۱ یعنی شمایل، نمایه و نماد با ترتیب تعاریفشان مطابقت می‌داشت. معلوم نیست این اشکال یعنی نداشتن انطباق عنوان با مضمون، کار نویسنده است یا مترجم، اما به هر حال این مطابقت ضروری به نظر می‌آید.

این فصل به‌درستی به نقش «قدرت» در تغییر قواعد نشانه‌شناسی تأکید دارد و آن را در عرصه‌های مختلف بررسی می‌کند، مانند سرمشق قراردادن افراد مشهور و مدها و مهم‌تر از همه، نقش رسانه‌ها، که باید‌های زندگی ما را (حتی ناخواسته) رقم می‌زنند. بنابراین، هرچند باور داشته باشیم که قواعد نشانه‌شناسی سیال و قابل تغییرند، اما محدوده‌ای دارند که آن را اجتماع به ما تحمیل می‌کند. این فصل نیز با تمرین‌هایی در ارتباط با مطالب فصل پایان می‌پذیرد که مخاطب را برای درک مطالب تعریف‌شده به‌چالش می‌کشد.

فصل چهارم، با عنوان کارکردهای نشانه‌شناختی، با زیرنویسی برای function همراه است که توضیح می‌دهد چرا واژه «کارکرد» به‌کار برده شده است و نه «نقش»، و به‌درستی به تفکیک این دو واژه در موقعیت‌های مختلف می‌پردازد. این فصل «کارکرد» را در جنبه‌های مختلف زبانی، اجتماعی، فرهنگی و حتی معماری خانه‌ها به‌چالش می‌کشد. نویسنده، در مقام یک نشانه‌شناس، اجتماع را به نقد کشیده، حال آنکه هالیدی با الهام از پیشینیانش، نقش‌گرایی/ کارکردگرایی را بیشتر در زبان و زبان‌شناسی دنبال کرده است. این فصل نیز با تمرین و پرسش پایان می‌پذیرد.

در **بخش دوم** از کتاب، با عنوان ابعاد تحلیل نشانه‌شناختی، به معرفی جنبه‌های کلیدی نشانه‌شناسی اجتماعی پرداخته می‌شود. این ابعاد کلیدی به‌صورت فصل‌هایی با عنوان فصل پنجم گفتمان، ششم ژانر، هفتم سبک و هشتم مدالیته معرفی می‌شوند و بحث‌های جالبی برای ارائه تعریف از این چهار مقوله مطرح می‌شود. علاوه بر آن، می‌توان با نظریه‌های صاحب‌نظران دیگر و نیز تصاویر متعدد برای تعریف مشخص‌تر و گسترده‌تر در مورد این ابعاد نیز آشنا شد. تمرین‌ها هم‌چنان پایان‌بخش این فصل‌هاست.

بخش سوم انسجام چندوجهی را مطرح می‌کند و به معرفی چهار شیوه تلفیق منابع متفاوت نشانه‌شناختی برای شکل‌گیری رخدادهای ارتباطی و متن‌های چندوجهی مورد نظر می‌پردازد. چهار شیوه تلفیق منابع نشانه‌شناسی با عنوان‌های ریتم، ترکیب‌بندی، پیوند اطلاعی و دیالوگ ارائه می‌شود.

در **فصل نه** از بخش سوم، انسجام چندوجهی با عنوان ریتم ارائه می‌شود و نقش داشتن این موضوع در تعامل روزمره و رسانه‌های «رمان» محور (فیلم و موسیقی) بسیار بااهمیت تلقی می‌شود. در این فصل، ریتم به معنای ترکیب‌بندی زمان تعریف می‌شود، البته شاید "زمان‌مندی" برای ریتم رایج‌تر باشد اما مترجم آن را در مقابل ترکیب‌بندی مکان (فصل بعدی) به کار برده است. ریتم به متن‌ها و رخدادهای ارتباطی مانند مکالمه‌ها و داستان‌گویی فیلم، تلویزیون و...، یعنی مواردی که در طول زمان به‌وقوع می‌پیوندد، انسجام می‌بخشد.

فصل ده ترکیب‌بندی^۱ مکان و یا طرح‌بندی^۲ را معرفی می‌کند و در اینجا این اصطلاح در ارتباط با نشانه‌شناختی فضایی به کار رفته است. فضاهای سه‌بعدی مانند معماری و ویتترین‌های نمایشگاهی، ساختار معنادار و منسجمی ارائه می‌دهند. هرچند که اصطلاح ترکیب‌بندی در موسیقی کاربرد دارد، اما لیوون آن را در ارتباط با روش‌های نشانه‌شناختی فضایی به کار می‌برد. این فصل بسیار نو و خلاقانه است و به‌نظر می‌رسد از مؤلفه‌های پیچیده و تصاویر مناسبی در آن بهره برده شده است. این فصل با تمرین‌هایی برای برانگیختن توجه خواننده پایان می‌یابد.

فصل یازده به پیوند اطلاع اختصاص دارد و به پیوند شناختی در متون زمان و مکان محور، مانند پیوند زمانی و علی بین واژه‌ها و تصاویر در متون چندوجهی واحدهای اطلاعی در رسانه‌ها، می‌پردازد. نویسنده معتقد است که واحدهای اطلاع، چه کلامی و چه بصری و غیر آن، می‌توانند به‌طور معناداری به دیگر واحدهای اطلاع پیوند یابند (ص ۴۰۶). این فصل نیز با حجم زیاد، به تمام جزئیات این مقوله پرداخته و دارای نمودارها و تصاویر متناسب با مضمون فصل پیوند اطلاع است. پایان‌بخش فصل هم‌چنان تمرین‌های مربوط به متن است.

فصل دوازدهم از دیالوگ نام می‌برد و به این امر می‌پردازد که تعاملات دیالوگی و موسیقایی چگونه برای درک روابط بین روش‌های نشانه‌شناختی و رخدادهای چندوجهی به کار

1. composition
2. layout

گرفته می‌شود. این فصل با طرح مطلبی از وولشینوف^۱ آغاز می‌شود که به آن منطق دیالوگی گفته می‌شود و درکنار و نه درتناقص با منطق معنایی که در فصل پیشین طرح شده، قابل بحث است.

بعد از فصل دوازدهم، منابع پیشنهادی آمده که علاوه بر معرفی کتاب برای مطالعه، درمورد تأثیرگذاری آنها بر گسترش دانش نشانه‌شناسی، توضیحات روشن‌کننده‌ای نیز داده شده که بسیار ارزشمند است.

پایان‌بخش کتاب، واژه‌نامه توصیفی اصطلاحات مهم است. این واژه‌نامه مفصل و درخور توجه، با ترجمه بسیار خوب، دردسترس خوانندگان قرار گرفته تا کار خواندن کتاب را آسان‌تر کند.

سخن آخر کتاب آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی تئو ون لیوون حاوی نکاتی با ارزش است، خوشبختانه با آگاهی مترجم به موضوع مورد نظر، ترجمه این کتاب با دقت صورت گرفته است. با دراختیار گذاشتن منابع و اطلاعات بسیار غنی، به مدرسان و دانشجویان و به‌طور کلی آنهایی که در تلاش یادگیری چگونگی شکل‌گیری معنا هستند، مترجم گامی مهم در این زمینه برداشته است. این کتاب با ترجمه سلیس و بسیار خوب، که مطمئناً زحمت بسیار زیادی برای مترجم به همراه داشته است. این کتاب درخور اهمیت بسیاری است و در گسترش دانش نشانه‌شناسی بسیار مؤثر خواهد بود.

گلرخ سعیدنیا

منابع

ون لیوون، تئو (۱۳۹۵). آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی. ترجمه محسن نوبخت، تهران: نشر علمی.

Aristotle (1954). *The Rhetoric and the Poetics*. New York, Random House Cross, J. (2013, March 12). *Interview with Theo van Leeuwen*. Retrieved October 01, 2017, from <http://figureground.org/interview-with-theo-van-leeuwen/>

Hilliday, M. A. K. (1978). *Language as a Social Semiotic*. London, Arnold.
Van Leeuwen, T. (2005). *Introducing social semiotics*. Routledge.